



عکس: امیر حسام‌زرا افشار/ایران

حتی شخصیت‌های بنام و برجسته جریان اصولگرا باشد تا جاذبه لازم برای جذب تعداد بیشتری از علاقه‌مندان به نظام، امام (ره)، رهبری و انقلاب اسلامی داشته باشند.

جریان‌های سیاسی عمدتاً روی چهره‌های شاخص و کاریزماتیک خود حساب می‌کنند؛ جنابعلی در گفت‌وگویی با روزنامه «ایران» ابراهیم‌ویدنویسی کوتاه‌رئیس دولت اصلاحات در رأی دادن به دو فهرست «اتلاف امید» و «خبرگان مردم» در انتخابات اسفند گذشته اذعان داشتید: این چهره‌ها برای جریان‌های سیاسی شان یک سرمایه هستند؛ می‌فرمایید می‌خواهید طیفی فراتر از جامعه فعلی را جذب کنید، این چهره‌های درجه‌دو سه چه مزیتی دارند که می‌توانند فراتر از احزاب و چهره‌های شاخص اصولگرا قدرت جذب داشته باشند؟

بنا نبوده کاندیدایی از بالا دیکته بشود تا احیاناً افرادی که جایگاه نفوذ سیاسی دارند بخواهند نقش آفرینی کنند؛ بنابراین قرار گرفته، پایین‌ترین اقشار جامعه و توده مردم بتوانند معتمدین را معرفی کنند و طبعاً جذب اینها، مستلزم نداشتن یک موقعیت کاریزماتیک است تا تصور نکنند باز هم می‌خواهند از بالا به آنها دیکته کنند که چه باید بشود؛ پس کسانی به میدان آمدند تا این اعتماد را ایجاد کنند که این سناریو، سناریوی تأثیرگذاری و نفوذ احزاب و شخصیت‌های برجسته نیست؛ آن احزاب و شخصیت‌های برجسته حاضر شده‌اند میدان را به توده مردم واگذار کرده و کار را به معتمدین مردم بسپارند؛ به عبارت دیگر این حرکت از پایین به بالا آغاز شده؛ کسانی که در هر شهرستان مورد اعتماد مردم هستند اعم از گروه‌های اجتماعی، صنفی، دانشگاهیان، معلمان، پزشکان، ورزشکاران، هنرمندان، زنان، دانش‌آموزان و دانشجویان جمع شوند و بگویند به چه کسی رأی بدهید.

اما باز هم شروع این حرکت از احزاب بوده است.

در نهایت کسانی که این حرکت را تمهید کرده‌اند، میدان را به خود این مجموعه واگذار کرده و از دور خارج می‌شوند.

درواقع اصولگرایان برای شکستن این تصور که «اصولگرایان همیشه قیم‌مآبانه رفتار کرده‌اند» بنا را بر نظر خواهی از بدنه جامعه گذاشته‌اند. از این منظر تأکید کارگزاران «جبهه مردمی» بر کلمه «مردمی» قابل درک است؛ اما آیا این نامگذاری به آن معناست که حرکت‌های ائتلافی قبلی اصولگرایان «غیر مردمی» بوده است؟

طبعاً آنچه در گذشته محقق شده، نشان داده مجموعه اصولگرایان سازمان‌رایی دارند؛ ولی نمی‌توان با آن سازمان‌رایی، منحصر و وارد رقابتی شد که آن رقابت ضرورتاً منتهی به نتیجه شود. در ثانی همان طور که گفتیم تأکید عمده این است این حرکت از پایین به بالا باشد؛ می‌خواهد به مردم بگوید: «نوبت شماست که شما به میدان بیایید و بگویند کاندیدای پیشنهادی شما کیست». باید مردمی که روحیه انقلابی دارند به واقع احساس کنند به جای تأثیرپذیری، تأثیر گذارند.

علاوه بر قالب تکراری، انتقادی که بعد از شکست در انتخابات‌های اخیر اصولگرایان متوجه این جریان شد، نداشتن تعامل لازم با بدنه مردم بود. آقای باهنر در گفت‌وگو با «ایران» یکی از دلایل ناکامی اصولگرایان در انتخابات‌های ریاست جمهوری را نداشتن حرف و پیام تازه می‌داند. اما صحبت‌های کارگزاران «جبهه مردمی» تاکنون تکرار صحبت‌های گذشته با همان کلیدواژه‌های کلیشه‌ای است؛ اصولگرایان ساختار انتخاباتی شان را تغییر داده‌اند؛ می‌خواهند بدنه را بشان این تغییر را باور کند؛ سؤال اینجاست آیا این ساختار جدید با ادبیات جدید و تغییر برخی دیدگاه‌ها در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی همراه خواهد بود تا بتواند پل‌های ارتباطی را ترمیم کند؟

با اظهار نظری که از جناب آقای باهنر نقل کردید، همراهی ندارم و معتقد نیستم پیام تازه‌ای نداشته‌ام و اصلاً با این نگاه وارد میدان نشده‌ایم. به اعتقاد ما آنچه که تاکنون کمتر به آن توجه شده است، تأکید بر اصل انقلاب، حفظ نظام و نشان دادن کارآمدی نظام است. باید نشان بدهیم ظرفیت‌های کشور و ملت را نمی‌توان در یک جریان سیاسی یا در مجموعه محدودی از شخصیت‌ها و احزاب سیاسی منحصر کرد. تجربه‌های قبلی به میدان آمدن اشخاص و حمایت از آنها بود، اما ما نیازمند سازوکاری هستیم تا همه آنها را که تمایل دارند وارد میدان شوند، خود را به یک جامعه نمونه عرضه کرده و نیروهای مردمی در این جامعه نمونه بگویند چه کسی را برای ریاست جمهوری دوره بعد شایسته‌تر می‌دانند. این جامعه نمونه بهتر می‌تواند ما را به وحدت برساند تا اینکه ما ناگزیر باشیم با کاندیداها چانه زنی کنیم؛ زیرا هر کاندیدایی مدعی است آرا و هواداران من بیش از دیگران است و نمی‌توان هم این ادعا را اثبات یا قویاً رد کرد. بنابراین بهترین سازوکار، همین جامعه نمونه مردمی است که می‌تواند بگوید چه کسی زمینه‌رایی بیشتری در مجموعه

«جبهه مردمی»، حرکت از پایین به بالا

مصباحی مقدم، سخنگوی جامعه روحانیت: به مردم می‌گوییم «نوبت شماست»

□ **علی رضایی** / برپیراه نیست اگر داستان «جبهه مردمی نیروهای انقلاب اسلامی» را داستان فیل در تاریکی «مثنوی معنوی» بدانیم که البته اصولگرایان آگاهانه و عامدانه آن را در پستی اردوگاه انتخاباتی خود پنهان کرده‌اند و به غیر از چند رسانه محرم و نزدیک خود را به این نهانخانه راه نمی‌دهند. تشکیلی که اگر چه عنوان «جبهه» بر خود اطلاق کرده است، اما دقیقاً تعریفی متناقض با «جبهه» در فرهنگ سیاسی کشور دارد. چه بر اساس آیین‌نامه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی، جبهه متشکل از چند حزب شناسنامه دار و با مجوز است که در مبانی و رویکرد اشتراک نظر دارند و بر همین اساس کنار هم قرار می‌گیرند. به اعتقاد کمیسیون ماده ۱۰ احزاب، داشتن پروانه تأسیس و فعالیت برای «جبهه» هائی که با این تعریف تطابق کامل دارند هم کافی نیست و باید «جبهه» ها مجوز جداگانه بگیرند. اما «جبهه مردمی نیروهای انقلاب اسلامی» از کنار هم قرار گرفتن ۱۰ شخصیت سیاسی و حقیقی تشکیل شده است و آن گونه که غلامرضا مصباحی مقدم می‌گوید تأکید دارد که هم غیر حزبی و هم فرا حزبی است. به گفته سخنگوی جامعه روحانیت مبارز، هر چند احزاب اصولگرا، پیشگام و پشتوانه این تشکل هستند، اما قرار است بعد از قوام گرفتن، کار را به این نهاد واگذار کرده و احزاب اصولگرا نیز فقط نظاره‌گر، تابع و پشتیبان باشند. او در این گفت‌وگو تأکید می‌کند اصولگرایان در صدد هستند تصور القای کاندیدا از بالا (احزاب) به پایین (بدنه رأی) را بشکنند. مصباحی مقدم در این مصاحبه به این پرسش پاسخ می‌دهد که آیا اصولگرایان علاوه بر تغییر ویتترین، در ادبیات و برخی رویکردها نیز تجدید نظر خواهند کرد. گفت‌وگو «ایران» با سخنگوی جامعه روحانیت مبارز را در زیر می‌خوانید...

در جریان اصولگرا، چهره‌های شاخص تری از هیأت مؤسس «جبهه مردمی» داریم که حزبی نیستند؛ مثل آقایان محمدباقر قالیباف، علی اکبر ولایتی، علی لاریجانی محسن رضایی، سعید جلیلی و... در «جبهه مردمی» چهره‌هایی هستند که به عنوان اصولگرا شناخته می‌شوند، اما در میان اصولگرایان هم از آنان «شناخته شده‌تر» و به اصطلاح «اسمی‌تر» و هم از آنان «انقلابی‌تر» هم داریم که در هیچ حزبی هم عضویت ندارند و اتفاقات محدودی نفوذ دارند. چرا از این چهره‌ها استفاده نشد؟ به عبارت واضح‌تر چرا از چهره‌های غیر حزبی درجه دوم و پایین‌تر به عنوان ویتترین جدید تشکل انتخاباتی اصولگرایان استفاده کردید؟

برای اینکه این تشکل، نابولی برجسته‌ای از جزیانی خاص تلقی نشود و میدان عمل گسترده‌ای داشته باشد؛ به عبارت دیگر شخصیت‌هایی باشند که هم تجربه انقلابی دارند و هم آنها را به عنوان شخصیت‌های شناخته شده در یک محدوده سیاسی نشانساند؛ بلکه نگاه عموم مردم به آنها فراتر از دریچه احزاب و

اصولگرایان از چه زمانی به سازوکار «جبهه مردمی نیروهای انقلاب اسلامی» رسیدند؟

حدود شش ماه قبل یا بیشتر بحث انتخابات در دستور کار قرار گرفت و سازوکاری ایجاد شد که بتواند «اتلاف اصولگرایان» را محقق کند.

کدام یک از احزاب اصولگرا پیشگام تأسیس این تشکل جدید بود؟

جمعی از نیروهای انقلابی پیشقدم شده و افرادی را شناسایی کردند که هم سابقه و روحیه انقلابی و هم تجربه سیاسی داشته باشند و هم جزو چهره‌های شاخص حزبی جریان اصولگرا نباشند.

چرا جزو چهره‌های شاخص حزبی نباشند؟

برای اینکه فراتر از احزاب کار کنند؛ احزاب اصولگرا حوزه نفوذ مشخصی دارند؛ ولی دایره نیروهای هوادار نظام جمهوری اسلامی و انقلاب همچنین آنهایی که به وصیت و رهنمودهای امام (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی پایبندند، بسیار گسترده‌تر از احزاب اصولگرا و حتی حوزه اصولگرایی است.